

مصاحبه بین کریس هجز و جان مرشایمر.
منبع و تاریخ نشر: بریننیوس ایورپ . کوم (2026-03-12)
برگردان: پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .



جان مرشایمر، کریس هجز - چرا آمریکا در حال شکست در جنگ با ایران است؟

John Mearsheimer, Chris Hedges – Why America is Losing the War With Iran

جان مرشایمر جزئیات چگونگی گرفتار شدن امپراتوری آمریکا در یکی از بزرگترین اشتباهات استراتژیک خود و تأثیرات احتمالی آن بر سایر نقاط جهان را شرح می‌دهد.

John Mearsheimer details how the American Empire stumbled into one of its largest strategic blunders, and what the effects of it all might entail for the rest of the world

با ورودیاداخل شدن جنگ آمریکا و اسرائیل و ایران به هفته دوم خود، استراتژی آمریکا و اسرائیل به طور فزاینده ای مبهم می‌شود، در حالی که عزم ایران راسخ تر می‌شود .
پروفسور جان مرشایمر، چهره‌ای مشهور در سیاست بین‌الملل، دوباره در این قسمت از

برنامه «گزارش کریس هجز» به مجری برنامه کریس هجز می‌پیوندد تا آنچه را که می‌توان از این درگیری انتظار داشت، شرح دهد.

مرشایمر تمام آنچه که تاکنون در مورد این جنگ شناخته شده، با رخداده است را شرح می‌دهد، از پیروزی بنیامین نتانیاهو در متقاعد کردن رئیس جمهور آمریکا برای آغاز نهایی این حمله مورد انتظار علیه ایران گرفته تا اکراه در کابینه خود ترامپ برای انجام آن. مرشایمر همچنین پیامدهای عمده این درگیری را بر کل اقتصاد جهان شرح می‌دهد؛ با بستن تنگه هرمز توسط ایران، کشورهای شرق آسیا مانند کره جنوبی و ژاپن و همچنین کل اروپا آسیب خواهند دید.

مرشایمر به هجز می‌گوید: «ممکن است یک رکود جهانی داشته باشید. ممکن است چیزی کمتر از آن، مانند رکود جهانی، داشته باشید که پیامدهای عظیمی برای مردم سراسر کره زمین، به ویژه در کشورهای در حال توسعه و به میزان کمتر در کشورهای توسعه یافته، خواهد داشت. اما حتی در کشورهای توسعه یافته، کاملاً واضح است که اهمیت نفت برای اداره اقتصاد بین‌المللی را نمی‌توان دست کم گرفت.»

کریس هجز

اطلاعات در جنگ به سلاح تبدیل می‌شود. این برای ایالات متحده و برای اسرائیل صادق است. و برای ایران همچنان نیز صادق است. اما با نگاهی به مه یا گرد و غبار جنگ، به نظر نمی‌رسد که درگیری با ایران برای اسرائیل و متحد آمریکایی‌اش خوب پیش برود. بستن تنگه هرمز توسط ایران و تهدید به مین‌گذاری این آبراه، بزرگترین شوک تا مین انرژی در دهه‌های اخیر را ایجاد می‌کند. این بحران انرژی فقط بدتر خواهد شد.

ایران زیرساخت‌های نظامی منطقه را تخریب کرده و ایستگاه‌های راداری پیشرفته ایالات متحده را در خلیج فارس و اسرائیل از کار انداخته است. این امر باعث شده است که ایالات متحده و اسرائیل به طور فزاینده‌ای نتوانند موشک‌ها و پهپادهای ورودی ایران را ردیابی کنند. ایران حملات موفقیت آمیزی به پایگاه‌ها و بنادر ایالات متحده و همچنین به زیرساخت‌های انرژی، کارخانه‌های آب شیرین کن و مجتمع‌های دیپلوماتیک انجام داده است. هر چه جنگ بیشتر ادامه یابد و ایران هیچ نشانه‌ای از علاقه به مذاکره نشان ندهد، بیشتر ترتیبات امنیتی در خلیج فارس را که بر اساس این فرض بنا شده‌اند که آمریکا در صورت درگیری از کشورهای خلیج فارس در برابر ایران محافظت خواهد کرد، از بین می‌برد. دولت ترامپ هیچ هدف مشخصی برای جنگ ندارد، جز درخواست‌های غیرواقعی بی‌پایان برای تسلیم بی‌شرط و تهدیدهای گزاف. این دولت آشکارا در مورد آنچه ایالات متحده می‌تواند با کشتن رهبران ارشد ایران، از جمله رهبر معظم انقلاب، به دست آورد، دچار اشتباه محاسباتی وحشتناکی شده است. این جنگ، با توجه به اینکه بدون هیچ استراتژی خروج مشخصی ادامه دارد، این پتانسیل را دارد که ایالات متحده را مجبور کند، در حالی که اقتصاد جهانی دچار بحران می‌شود، خواسته‌های ایران را برآورده کند.

این شکست تحقیرآمیز می‌تواند به طور بالقوه به معنای پایان هژمونی ایالات متحده در منطقه باشد. **پروفسور جان مرشایمر**، استاد برجسته علوم سیاسی آر. وندل هریسون در دانشگاه شیکاگو، برای بحث در مورد جنگ ایران به من ملحق شده است. پروفسور مرشایمر، فارغ التحصیل دانشگاه وست پوینت و کاپیتان نیروی هوایی ایالات متحده، نویسنده کتاب‌های متعددی از جمله «بازدارندگی متعارف» (۱۹۸۳)، «بازدارندگی هسته‌ای: اخلاق و استراتژی»، «لیدل هارت و وزن تاریخ»، «تراژدی سیاست قدرت‌های بزرگ»، «لابی اسرائیل و سیاست خارجی ایالات متحده» و «چرا رهبران دروغ می‌گویند: حقیقت دروغ‌گویی در سیاست بین‌الملل» است.

بیا بید با این واقعیت شروع کنیم که پنتاگون به مدت سه دهه با جدیت در برابر فشار اسرائیل برای جنگ با ایران، چه [باراک] اوباما، [جورج دبلیو بوش]، [جو] بایدن و به دلایلی، البته به تمام دلایلی که اکنون آشکار است، پنتاگون این درگیری را نمی‌خواست. چگونه بر این سکوت یا مقاومت غلبه شد؟

جان مرشایمر

بله، کریس، کاملاً قابل توجه است که هیچ‌یک از اسلاف ترامپ وقتی اسرائیلی‌ها سعی کردند ما را برای جنگ با ایران به دام بیندازند، طعمه را نگرفتند. و اگر به یاد داشته باشید، در سال ۲۰۲۴، آخرین سال ریاست جمهوری جو بایدن، اسرائیلی‌ها دو بار، یک بار در آوریل و بار دوم در اکتبر همان سال، سعی کردند با بدین را برای جنگ با ایران به دام بیندازند و او از این کار خودداری کرد.

و ترامپ اولین رئیس جمهوری است که در این دام افتاد و البته او این کار را در ژوئن گذشته در طول جنگ دوازده روزه انجام داد. اگر به یاد داشته باشید، در جنگ دوازده روزه، اسرائیلی‌ها خودشان آن درگیری را در (13) جون آغاز کردند و در (25) جون به پایا ن رسید. اما در (۲۲) جون، ما سه هدف هسته‌ای را در ایران بمباران کردیم، اما این یک بمباران یک روزه بود. ما در مورد یکی صحبت کردیم و در آن زمان تمام شد. و اگر به یاد داشته باشید، وقتی عصر ۲۲ جون فرا رسید، بمباران تمام شد و رئیس جمهور ترامپ اعلام پیروزی کرد.

بنابراین اگرچه او برای اولین بار درگیر شد، اما فقط به نظر می‌رسید که مچ پایش را در آب فرو کرده است، و عمیقاً به جنگ با ایران متعهد نشده بود. اما همه اینها در (28) فبروری تغییر کرد. ایالات متحده و اسرائیل با هم، چیزی که من دوست دارم به عنوان تیم مشترک از آن یاد کنم، تصمیم به حمله به ایران گرفتند و اکنون ما در یک جنگ فرسایشی با ایرانیان هستیم، که در این صورت دیدن پایان این جنگ دشوار است. بنابراین ترامپ طعمه را گرفت. و فکر می‌کنم به طور خاص تر، فکر می‌کنم اساساً نخست وزیر نتانیا هو، که دهه‌هاست، به معنای واقعی کلمه دهه‌ها، برای وادار کردن ایالات متحده به

حمله به ایران برای اسرائیل، اضافه کاری می کند، سرانجام با ترامپ موفق شد. همانطور که گفتم، در جون گذشته گام کوچکی در این زمینه برداشته شد، اما اکنون ترامپ با تمام وجود به آب پریده است.

کریس هجز

و با این حال، می بینید که حتی با این [دن] کین، رئیس چاپلوس ستاد مشترک، هر بار که جلوی دوربین ها ظاهر می شود، خیلی خوشحال به نظر نمی رسد. من فکر می کنم ارتش، پنتاگون، آنچه را که در راه است پیش بینی کرده بود و کاملاً در مورد چگونگی برخورد با آن سردرگم است.

جان مرشایمر

من فکر می کنم **ژنرال کین** در اینجا واقعاً رفتار خوبی داشته است. باید به یاد داشته باشید که وقتی ترامپ در جنوری سال گذشته، یعنی در جنوری (۲۰۲۵)، به قدرت رسید، رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال [چارلز کیو]. براون [جونیور] را اخراج کرد و ژنرال کین را از بازنشستگی بیرون آورد.

کین فقط یک ژنرال سه ستاره بود. او حتی یک ژنرال چهار ستاره هم نبود، اما ترامپ او را دوست داشت. و ترامپ او را یک ژنرال چهار ستاره کرد و او را رئیس ستاد مشترک ارتش تعیین کرد. حالا، با توجه به اینکه او در واقع ژنرال ترامپ بود، و جایگاهش را مدیون دونالد ترامپ بود، آدم فکر می کند که او به دونالد ترامپ هر چه می خواست در مورد جنگ علیه ایران بشنود، می گفت، اما برعکس، کاری که کین قبل از جنگ، یعنی قبل از ۲۸ فبروری، انجام داد این بود که برای رئیس جمهور ترامپ خیلی روشن کرد که ما گزینه نظا می مناسبی نداریم.

بنابراین وقتی می گویند ژنرال کین، هر بار که از او تعریف می شود، بسیار معذب به نظر می رسد، فکر می کنم درست است. و فکر می کنم یک توضیح ساده برای اینکه چرا اینقدر معذب به نظر می رسد وجود دارد. او از همان ابتدا می دانست که این جنگ آنطور که ترامپ و نتانیاهو فکر می کردند پیش نخواهد رفت. و او می داند که رئیس ستاد مشترک ارتش است و وقتی ما در (28) فبروری وارد این جنگ احمقانه شدیم، رئیس بود، با وجود اینکه او نسبت به آن هشدار داده بود.

کریس هجز

آیا خیلی ساده لوحانه است که بگوییم ترامپ و نتانیاهو ساده لوحانه معتقد بودند که با حذف رهبر معظم انقلاب و برخی از مقامات ایران، تغییر رژیم رخ می دهد و جنگ تمام می شود؟

جان مرشایمر

فکر می‌کنم این موضوع به وضوح در مورد ترامپ صدق می‌کند. فکر می‌کنم این استدلالی بود که نتانیا هو به ترامپ فروخت. و ترامپ از این استدلال خوشش آمد. فکر می‌کنم با توجه به اتفاقاتی که در ونزوئلا افتاد، او فکر می‌کرد که ما توانایی این را داریم که مثل پروا نه شناور با شیم و مثل زنبور نیش بزنیم. و وقتی بی‌بی به او گفت که رژیم ایران ضعیف است و تنها کاری که باید انجام دهیم این است که آن را از بین ببریم و واقعاً در همان یک یا دو روز اول ضربه محکمی زد که رژیم فرو بریزد و در نهایت یک رژیم طرفدار آمریکا و طرفدار اسرائیل به جای آن روی کار بیاید.

فکر می‌کنم نتانیا هو در گفتن این داستان به ترامپ بسیار موفق بود. و ترامپ دقیقاً مشاوران خردمندی ندارد، به جز ژنرال کین که خلاف این را به او می‌گفت. بنابراین او در دام افتاد. حالا، نتانیا هو مورد پیچیده‌تری است. می‌توان استدلال کرد که نتانیا هو فهمیده بود که حمله‌ی از پیش تعیین شده جواب نمی‌دهد، که این یک پیروزی سریع و قاطع نخواهد بود، و در عوض کاری که او سعی در انجام آن داشت، به دام انداختن ترامپ در یک جنگ طولانی بود که در آن صورت ایران نابود می‌شد.

به عبارت دیگر، نتانیا هو فهمیده بود که رژیم به سرعت سقوط نخواهد کرد، اما وقتی ما متعهد به جنگ شویم، چاره‌ای جز ادامه‌ی آن نخواهیم داشت. و این وضعیتی است که اکنون در آن هستیم. بنابراین این یک استدلال احتمالی است. با اطمینان نمی‌توان گفت که آیا این درست است یا نه، اما با توجه به اینکه نتانیا هو را در طول زمان زیر نظر داشته‌ام، این احتمال نیز وجود دارد که او نیز خود را گول زده و باور کرده باشد که رژیم ایران شکننده است و ما می‌توانیم به راحتی تغییر رژیم دهیم.

می‌دانی، او مدت‌هاست که این را می‌گوید، همانطور که کریس، خوب می‌دانی. و گاهی اوقات وقتی مردم استدلال‌های خاصی را تکرار می‌کنند، پس از مدتی، حتی شروع به باور استدلال‌های خودشان می‌کنند، اگرچه در ابتدا اینطور نبود. بنابراین ممکن است که بی‌بی «نتانیا هو» خودش را گول زده باشد، یا ممکن است که او فقط ترامپ را برای ورود به این جنگ فریب داده باشد.

کریس هجز

خوب، هدف اسرائیل با هدف آمریکا متفاوت است. آمریکایی‌ها تغییر رژیم می‌خواهند. اسرائیلی‌ها می‌خواهند یک دولت شکست خورده ایجاد کنند. آنها می‌خواهند ایران را به همان روشی که عراق را تکه‌تکه و نابود کردند، به همان روشی که لیبی را به یک دولت شکست خورده تبدیل کردند، تکه‌تکه کنند. اینها اهداف بسیار متفاوتی هستند.

جان مرشایمر

من با این موافقم. من با این موافقم. اما اسرائیلی‌ها این واقعیت را تبلیغ نمی‌کنند. فکر می‌کنم دیدگاه اسرائیلی‌ها این است که اگر تغییر رژیم بدهند و یک رژیم طرفدار آمریکا / طرفدار اسرائیل روی کار بیاورند، دیگر لازم نیست خیلی نگران نابودی کشور باشند. اما فکر می‌کنم احتمالاً می‌دانند که این اتفاق نخواهد افتاد، که ایران از بین نمی‌رود. و با توجه به اینکه ایران از بین نمی‌رود، بیایید آن را نابود کنیم. بیایید با ایران همان کاری را بکنیم که با سوریه کردیم. و بعد که کارمان با ایران تمام شد، می‌توانیم به سراغ ترکیه برویم و ترکیه را هم تکه تکه کنیم.

کریس هجز

خوب، بیایید در مورد کشوری صحبت کنیم که استراتژی دارد، که ایالات متحده نیست، و آن ایران است. و چیزی که برای من جالب بود این است که به جای مقابله با قدرت نظامی آمریکا، یعنی کشتی‌ها، آنها کاملاً زیرکانه و کاملاً روشمند تصمیم گرفته‌اند که ماشین اقتصادی را نه تنها در خلیج فارس، بلکه در سراسر جهان نابود کنند.

جان مرشایمر

بله، ایرانی‌ها یک استراتژی هوشمندانه را دنبال می‌کنند. و برگردیم به ژنرال کین، ژنرال کین چندین اظهار نظر در مورد ایرانی‌ها داشته است که نشان می‌دهد او به توانایی آنها در استراتژی‌سازی در این جنگ احترام می‌گذارد. او ایرانی‌ها را تحقیر نمی‌کند. وقتی به صحبت‌های [بیت] هگزت و ترامپ گوش می‌دهید، آنها در مورد ایرانی‌ها طوری صحبت می‌کنند که انگار آنها یک مشت آدم بی‌عرضه روستایی هستند و ما نا بغه‌های استراتژیک هستیم و نه تنها در قدرت مادی برتری داریم، بلکه ما آمریکایی‌ها در نحوه تفکر استراتژیک نیز برتری داریم.

من فکر می‌کنم اینطور نیست. و فکر می‌کنم اگر با دقت به ژنرال کین گوش دهید، او همین نکته را می‌گوید. با توجه به آنچه شما گفتید، با توجه به آنچه ژنرال کین گفت، ما در مقابل یک دشمن قدرتمند قرار داریم. آنها کارت‌های زیادی برای بازی دارند. کریس، نکته کلیدی اینجا این است که ایران زرادخانه عظیمی از موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد و پهپاد دارد که می‌تواند علیه کشورهای خلیج فارس از آنها استفاده کند. و کشورهای خلیج فارس محیطی غنی از هدف را ارائه می‌دهند. استفاده از آن پهپادها و موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد برای وارد کردن خسارات زیاد به همه کشورهای خلیج فارس، از جمله عربستان سعودی، آسان است.

ایرانی‌ها همچنین موشک‌های دوربرد و همچنین پهپادهای دوربرد زیادی دارند که می‌توانند به اسرائیل حمله کنند. آنها تاکنون کار زیادی در این زمینه انجام نداده‌اند. درک این نکته بسیار مهم است که در جنگ دوازده روزه ژوئن گذشته، ایرانی‌ها تقریباً منحصراً

علیه اسرائیل جنگیدند. آنها پایگاه‌های نظامی آمریکا در منطقه و کشورهای خلیج فارس را هدف قرار ندادند.

در این جنگ، آنها اسرائیل، تأسیسات نظامی آمریکا در منطقه و کشورهای خلیج فارس را هدف قرار می‌دهند. و در بخش اول جنگ، تا الان، آنها عمدتاً بر حمله به تأسیسات آمریکایی و حمله به کشورهای خلیج فارس تمرکز داشته‌اند. اما آنها اعلام کرده‌اند که اکنون شروع به تغییر تمرکز کرده‌اند و قرار است تمرکز بیشتری بر حمله به اسرائیل داشته باشند.

و آنها موشک‌های بالستیک دوربرد و پهپادهایی دارند که می‌توانند از آنها برای حمله به اسرائیل استفاده کنند. و مشکلی که اسرائیلی‌ها با آن مواجه هستند، و البته این مشکلی است که آمریکایی‌ها با آن مواجه هستند، این است که ما فقط تعداد محدودی موشک دفاعی داریم که می‌توانیم برای سرنگونی موشک‌های بالستیک ورودی از آنها استفاده کنیم. و حتی وقتی از این موشک‌های دفاعی استفاده می‌کنیم، اغلب به موشک‌های بالستیک ورودی ایران برخورد نمی‌کنند.

بنابراین ما این وضعیت را در خلیج فارس و اسرائیل داریم که ایرانی‌ها توانایی حمله به همه آن کشورها را برای مدت طولانی دارند. و ما هیچ کاری نمی‌توانیم در مورد آن انجام دهیم. و در واقع، با گذشت زمان، توانایی ما برای سرنگونی آن موشک‌ها، سرنگونی پهپادها کاهش می‌یابد. این ثابت نمی‌ماند.

و مطمئناً افزایش نمی‌یابد. کاهش می‌یابد. بنابراین ایرانی‌ها مجموعه‌ای جدی از گزینه‌های نظامی علیه ما دارند. و کریس، این به این معنی است که وقتی ما از نردبان تشدید تنش بالا می‌رویم، و این کاری است که احتمالاً انجام خواهیم داد اگر نتوانیم راه خروجی پیدا کنیم، و فکر نمی‌کنم راه خروجی پیدا کنیم، فکر می‌کنم کاری که انجام خواهیم داد این است که از نردبان تشدید تنش بالا برویم.

و البته، بیت‌هگست و دونالد ترامپ خواهند گفت، وقتی از آن نردبان تشدید تنش بالا می‌روید، ما تسلط تشدید تنش داریم. اما من فکر نمی‌کنم این درست باشد. من فکر می‌کنم ایرانی‌ها کارت‌های قدرتمندی برای بازی دارند، و بنا بر این ما در یک وضعیت واقعاً وحشتناک هستیم.

کریس هجز

این نردبان تشدید تنش چه شکلی است؟ این به چه معناست؟ آنها عملاً در حال بمباران اشباع تهران هستند

جان مرشایمر

هنوز نه. آنها در حال حمله به ایران هستند، شکی در این مورد نیست. و آنها در حال حمله به تهران هستند. اما آنها بیش از ۱۵۰۰ نفر را نکشته‌اند. منظورم این است که بسیار

تأسف‌بار است که آنها حتی یک نفر را کشته‌اند، چه برسد به (۱۵۰۰) نفر یا هر تعداد دیگری. اما آنها تا این حد پیش نرفته‌اند. اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها تا این حد در نردبان تشدید تنش پیش نرفته‌اند.

و از یک جنبه بسیار مهم، شواهدی وجود دارد که آمریکایی‌ها اسرائیلی‌ها را از رفتن بیش از حد و خیلی سریع در نردبان تشدید تنش منصرف می‌کنند، زیرا ما می‌دانیم که ایرانی‌ها قابلیت حمله دوم را دارند. اسرائیلی‌ها خیلی اهمیتی نمی‌دهند، زیرا اسرائیلی‌ها می‌خواهند ما را عمیقاً درگیر این جنگ و نابود کردن ایران ببینند. آنها دوست دارند ما هر شهر ایران را با خاک یکسان کنیم، کشور را تجزیه کنیم.

اما ترامپ در حال حاضر نمی‌خواهد در این مسیر قدم بردارد. اما کریس، فکر می‌کنم اتفاقی که اینجا می‌افتد این است که ما مناطق غیرنظامی را هدف قرار می‌دهیم. در نهایت تعداد بیشتری از مردم را می‌کشیم. و علاوه بر این، ما شروع به لاس زدن با ایده از هم پاشیدن زیرساخت‌های نفتی ایران و شاید کارخانه‌های آب شیرین‌کن آنها نیز می‌کنیم.

ما واقعاً شروع به تلاش برای خفه کردن رژیم و خفه کردن آن می‌کنیم. و باز هم، این فقط شامل کشتن مردم نیست، که فکر می‌کنم اگر به اندازه کافی ناامید شوید، این کار را خواهید کرد. اسرائیلی‌ها، البته، مشکلی با انجام این کار نخواهند داشت. و در نهایت، فکر می‌کنم اگر ما به اندازه کافی ناامید شویم، ما هم نخواهیم کرد. اما باز هم، مشکل این است که اگر این کارها را انجام دهیم، ایرانی‌ها تلافی خواهند کرد. اگر ما به زیرساخت‌های انرژی در ایران حمله کنیم، ایرانی‌ها به زیرساخت‌های انرژی بیشتر و بیشتری در خلیج فارس، در کشورهای خلیج فارس حمله خواهند کرد.

اگر ما به کارخانه‌های آب شیرین‌کن حمله کنیم، آنها به کارخانه‌های آب شیرین‌کن در جاهایی مانند عربستان سعودی و خود اسرائیل حمله خواهند کرد. فکر می‌کنم اسرائیلی‌ها چهار یا پنج کارخانه آب شیرین‌کن بزرگ دارند که به شدت به آنها وابسته هستند. و من فکر می‌کنم اگر ما یا اسرائیلی‌ها یا هر دوی ما به سراغ کارخانه‌های آب شیرین‌کن آنها برویم، ایرانی‌ها انگیزه پیدا می‌کنند که آنها را از بین ببرند. بنا بر این می‌توانید ببینید که هرچه ما در نردبان تشدید تنش بالا برویم، ایرانی‌ها با ما بالا می‌روند. و من نمی‌بینم که چگونه می‌توانید این استدلال را مطرح کنید که ما به هر طریق معناداری تسلط تشدید تنش داریم، به خصوص وقتی این واقعیت را در نظر بگیرید که سابقه تاریخی در اینجا کاملاً واضح است که کشورها می‌توانند در این نوع حملات هوایی مجازات‌های زیادی را متحمل شوند و مردم علیه دولت قیام نمی‌کنند و آن را سرنگون نمی‌کنند.

و در واقع آنچه در بیشتر این موارد، اگر نه همه این موارد، اتفاق می‌افتد این است که مردم دور پرچم جمع می‌شوند. بنابراین اگر ما فکر کنیم، یا اسرائیلی‌ها فکر کنند، که کشتن غیرنظامیان ایرانی به دولت فشار می‌آورد تا جنگ را ترک کند، فکر می‌کنم این تفکر اشتباه است.

کریس هجز

خوب، ما این را در ویتنام امتحان کردیم.

جان مرشایمر

ما آن را در کره امتحان کردیم. اگر به آنچه ما در طول جنگ کره با کره شمالی انجام دادیم نگاهی بیندازید، وحشتناک است. این بسیار بدتر از کاری است که ما در ویتنام انجام دادیم. و سپس به جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم برگردید. ببخشید، نه جنگ جهانی اول، جنگ جهانی دوم در اروپا و جنگ جهانی دوم در شرق آسیا علیه ژاپن. منظورم این است که تعداد افرادی که ما کشتیم باور کردنش سخت است. اما بسیار سخت است، اگر نگوییم غیرممکن، که این حملات هوایی باعث شود دولت استعفا دهد.

کریس هجز

آیا نمونه‌ای از یک عملیات هوایی وجود دارد که یک دولت را در هم بشکند؟ من فکر نمی‌کنم، از نظر تاریخی، اینطور باشد؟

جان مرشایمر

نه، فکر می‌کنم تنها موردی که می‌توانید مطرح کنید، انداختن دو سلاح هسته‌ای بر روی هیروشیما و ناگازاکی در ۶ و ۹ آگوست است که باعث شد ژاپنی‌ها بالاخره تسلیم شوند. ژاپنی‌ها تا آگوست ۱۹۴۵ در لبه پرتگاه بودند. و سوال این بود، سوال این است که چه چیزی آنها را از پرتگاه پایین راند؟ و برخی از مردم استدلال می‌کنند که این دو سلاح هسته‌ای در آن دو تاریخ بود.

من در واقع فکر می‌کنم این درست نیست. فکر می‌کنم زمانی بود که روس‌ها در ۸ آگوست وارد شدند. به یاد داشته باشید که جنگ در اروپا در ۸ مه ۱۹۴۵ پیروز شد. و در یالتا، روس‌ها یا شوروی‌ها گفته بودند که سه ماه پس از پایان جنگ در اروپا وارد می‌شوند. به عبارت دیگر، آنها سه ماه پس از پایان جنگ در اروپا وارد جنگ علیه ژاپن خواهند شد. و جنگ در اروپا در ۸ مه ۱۹۴۵ پایان می‌یابد. و سه ماه بعد، در ۸ اوت ۱۹۴۵، شوروی‌ها به ارتش کوانتونگ ژاپن در منچوری حمله می‌کنند و به سرعت آن را تصرف می‌کنند. من معتقدم که تصمیم شوروی برای حمله به ژاپن در ۸ اوت، که بین دو بمب در ۶ و ۹ اوت قرار دارد، عامل مهمی است که باعث می‌شود ژاپنی‌ها تسلیم شوند.

اما این تنها موردی است که می‌توان گفت قدرت هوایی تا حدودی به پایان جنگ کمک کرده است. اما کریس، در این مورد، به سرعت، چون درک آن مهم است، ما بمباران ژاپن را در عصر ۱۰ یا ۱۱ مارس ۱۹۴۵ آغاز کردیم. و اولین شیبی که توکیو را بمباران کردیم، یعنی ۱۰ مارس، تعداد ژاپنی‌هایی که کشتیم از کشته‌شدگان هیروشیما یا ناگازاکی بیشتر بود. فقط به این فکر کنید.

این اولین شبی است که توکیو را بمباران کردیم. و بعد ما داریم به پایین فهرست شهرهای بزرگ ژاپن می‌رویم و آنها را بمباران آتش‌زا می‌کنیم و تعداد زیادی از مردم را به قتل می‌رسانیم. واقعاً قابل توجه است. و ژاپنی‌ها تسلیم نمی‌شوند. آنها تا ماه اوت تسلیم نمی‌شوند. و البته این زمانی است که دو سلاح هسته‌ای انداخته می‌شوند و شوروی‌ها وارد جنگ می‌شوند.

و این نوعی تیر خلاص است. اما بمباران آتش‌زا جواب نداد. و این نکته اساسی را که من می‌گویم تأیید می‌کند، اینکه شما می‌توانید قتل کنید، و این واقعاً قتل است زیرا شما عمداً غیرنظامیان را هدف قرار می‌دهید. شما می‌توانید تعداد زیادی از غیرنظامیان را به قتل برسانید و این جواب نمی‌دهد. سابقه تاریخی در این مورد به طرز چشمگیری واضح است. و اینجا در ایران هستیم. ما قرار نیست نیروی زمینی اعزام کنیم، درست است؟ ما قرار است به نیروی هوایی تکیه کنیم.

ما قرار است بمباران کنیم، و قرار است ایران را بمباران کنیم و در جنگ پیروز شویم. ما قرار است بدون اعزام نیروی زمینی، تغییر رژیم ایجاد کنیم، فقط قرار است این کار را از طریق هوا انجام دهیم. سابقه تاریخی به صراحت روشن می‌کند که انجام این کار تقریباً غیرممکن است. در غیاب معجزه - و من به معجزه اعتقاد ندارم - تغییر رژیم دشوار یا غیرممکن است که فقط با استفاده از نیروی هوایی انجام شود.

شما باید نیروی زمینی وارد عمل شوید. این کاری است که ما در عراق انجام دادیم. ما مجبور شدیم به عراق حمله کنیم تا تغییر رژیم را محقق کنیم. و اگر می‌خواهید در ایران تغییر رژیم ایجاد کنید، باید به آن کشور حمله کنید. و این اتفاق نخواهد افتاد. این کشور خیلی بزرگ است. جمعیت زیادی دارد. و علاوه بر این، ما قبلاً آنجا بوده‌ایم. این روش خیلی خوب جواب نمی‌دهد. و حتی دونالد ترامپ به اندازه کافی باهوش است که بداند اعزام ارتش به ایران، نسخه‌ای واقعی برای فاجعه خواهد بود.

کریس هجز

درباره تأثیر اقتصادی بستن تنگه هرمز و فقط در مورد کارخانه‌های آب شیرین کن صحبت کنید، با توجه به تجربه کار در عربستان سعودی، اگر این کارخانه‌ها را از رده خارج کنید، بایک بحران انسانی بزرگ مواجه خواهید شد. منظورم این است که شهرهایی مانند ریاض تقریباً کاملاً به آب شیرین کن وابسته هستند.

جان مرشایمر

کاملاً، کاملاً. و دولت، دولت ترامپ به اسرائیلی‌ها گفته است که از کارخانه‌های آب شیرین کن دوری کنند. و ما نمی‌خواهیم وارد جنگی شویم که در آن هر دو طرف سعی در تخریب کارخانه‌های آب شیرین کن در هر طرف داشته باشند. این خوب نخواهد بود زیرا

همانطور که شما می‌گویید، این یک فاجعه فاجعه‌بار برای مردم در تمام کشورهای منطقه خلیج فارس خواهد بود.

و من معتقدم که اگر ایرانی‌ها بتوانند آن چهار یا پنج کارخانه آب شیرین کنی را که اسرائیلی‌ها دارند از رده خارج کنند، اثرات مخربی در داخل اسرائیل نیز خواهد داشت. بنابراین فکر می‌کنم فعلاً از این کار دوری خواهیم کرد. پیامدهای اقتصادی هنوز به طور کامل احساس نشده است.

و خواهیم دید که با گذشت زمان چه اتفاقی می‌افتد. خیلی جالب است که ایرانی‌ها هنوز نفت را از خلیج فارس صادر می‌کنند. نیازی به گفتن نیست که تانکرها یا نفتکش‌هایی که نفت ایران را حمل می‌کنند توسط ایرانی‌ها غرق خواهند شد. و می‌توانند از تنگه هرمز عبور کنند. بنابراین ایرانی‌ها هنوز نفت می‌فروشند.

کریس هجز

فکر می‌کنم ۸۰ درصد نفت دریایی آنها به چین می‌رود، درست است؟

جان مرشایمر

فکر می‌کنم درست است بله. اما فکر می‌کنم اگر به وضعیت فعلی چین از نظر میزان نفت ذخیره شده و اینکه نفت اضافی خود را از کجا تهیه می‌کند نگاه کنید، چین حداقل در ابتدا، در صورت قطع نفت، آسیب زیادی نخواهد دید.

این ژاپن و کره جنوبی هستند که آسیب خواهند دید. ژاپن و کره جنوبی بیشتر از چینی‌ها به نفت خروجی از خلیج فارس وابسته هستند. کریس، اینجا خیلی جالب است، اما اگر در مورد آن فکر کنید، اگر نفت برای مدت طولانی قطع شود، اروپایی‌ها واقعاً آسیب جدی خواهند دید. و باید به خاطر داشت که اروپایی‌ها همین الان هم به مشکل خورده‌اند، چون دیگر مثل سابق از روسیه نفت و گاز نمی‌گیرند. حالا بیشتر به ایالات متحده و خاورمیانه وابسته‌اند. بنابراین اگر جریان نفت و گاز از خاورمیانه به اروپا قطع شود، علاوه بر این واقعیت که تمام آن نفت و گازی که از روسیه خارج می‌شود، محدود شده است، می‌توانید ببینید که اقتصادهای اروپایی که از قبل هم با مشکل مواجه بودند، حتی بیشتر هم دچار مشکل خواهند شد. بنابراین اروپا آسیب خواهد دید.

به نظر می‌رسد ژاپن و کره جنوبی هم آسیب خواهند دید. و کشورهای هم هستند که کمتر توسعه یافته‌اند، مانند نیجریه، که بهای سنگینی را در نتیجه آنچه در اینجا اتفاق می‌افتد، خواهند پرداخت.

و بنابراین پیامدهای اقتصادی، که تازه شروع به احساس شدن کرده اند، می‌توانند به طور قابل توجهی بدتر باشند. و پیامدهای این امر برای اقتصاد جهانی می‌تواند فاجعه بار باشد. و البته، دولت ترامپ کاملاً این را درک می‌کند. آنها درک می‌کنند که، می‌دانید، تا حدودی پیش‌بینی دقیق چگونگی این وضعیت دشوار است، اما مطمئناً درک می‌کنند که می‌توان داستان‌های احتمالی در مورد چگونگی تبدیل شدن این وضعیت به یک کابوس بزرگ تعریف کرد. باز هم، نمی‌گوییم که این اتفاق خواهد افتاد، اما می‌توانید داستان‌های احتمالی در مورد چگونگی تبدیل شدن این وضعیت به یک کابوس تعریف کنید. می‌دانید، ما به اندازه کافی از نردبان تشدید تنش بالا می‌رویم و ایرانی‌ها واقعاً به دنبال کشورهای خلیج فارس می‌روند و واقعاً تا حد زیادی زیرساخت‌های نفتی و گازی آنها را نابود می‌کنند، عواقب آن می‌تواند برای همه در کره زمین فاجعه‌بار باشد. و دولت ترامپ این را درک می‌کند. آنها نمی‌خواهند در اینجا هیچ ریسکی کنند. به همین دلیل است که شواهدی می‌بینید که نشان می‌دهد دولت ترامپ به دنبال یک راه خروج است.

کریس هجز

خوب، ایرانی‌ها که قرار نیست به آنها بدهند، مگر اینکه توافق خوبی داشته باشند؟

جان مرشایمر

دیوانگی است که به آنها بدهند مگر اینکه به توافق خوبی برسند. به سختی می‌توان در رسانه‌های جریان اصلی در این مورد صحبت کرد، اما تمام صحبت‌هایی که حول محور مسئله‌ی یک راه خروج برای پایان دادن به این جنگ می‌چرخد، به این بستگی دارد که ما در نهایت چگونه عمل کردیم و اسرائیلی‌ها در نهایت چگونه عمل کردند.

به عبارت دیگر، اسرائیلی‌ها می‌ترسند که اگر ما اکنون بدون تغییر رژیم یا بدون نابودی ایران به توافق برسیم، این یک پیروزی برای ایران خواهد بود و آمریکایی‌ها ممکن است خوشحال باشند، اما ما خوشحال نیستیم. و رئیس‌جمهور ترامپ و افرادش فکر می‌کنند با توجه به اینکه انتخابات میان‌دوره‌ای در پیش است، جنگ خوب پیش نمی‌رود، باید به آن پایان دهیم. و حتی اگر پیروزی قاطعی نداشته باشیم، همینطور باشد. فقط مهم است که این جنگ را به خواب ببریم و اعلام پیروزی کنیم و سپس نگران انتخابات نوامبر باشیم. این روشی است که گفتمان در غرب در حال تکامل است.

اما به نظر نمی‌رسد کسی متوجه شود که برای وادار کردن ایرانی‌ها به ترک جنگ، باید به آنها معامله‌ای پیشنهاد دهید که برایشان قابل قبول باشد، زیرا اکنون آنها در صندلی راننده هستند. جنگ به نفع آنهاست. آنها فهمیده‌اند که بر ایالات متحده و اسرائیل نفوذ دارند. این واقعیت که آنها همه این موشک‌های بالستیک و همه این پهپادها را دارند و در محیطی غنی از هدف فعالیت می‌کنند، آنها می‌فهمند که نمی‌خواهند اینجا را ترک کنند. آنها می‌خواهند از این قابلیت برای دادن نفوذ به خود استفاده کنند. حالا با خودتان می‌گویید، نفوذ برای چه؟

فشار برای رسیدن به توافق در پایان این درگیری تا نوعی ترتیبات برقرار شود که آنها را بسیار بهتر از قبل از 28 فوریه کند. خب، این دقیقاً به چه معناست؟ اول از همه، آنها خواهان لغو تحریم‌ها خواهند بود. آنها خواهان لغو عمده تحریم‌ها خواهند بود. آنها احتمالاً خواهان غرامت خواهند بود. و احتمالاً آنها نوعی ترتیبات را می‌خواهند که تضمین کند اسرائیلی‌ها و آمریکایی‌ها نمی‌توانند شش ماه یا یک سال دیگر به آنها سر بزنند. به یاد داشته باشید، ژوئن گذشته جنگی علیه ایران رخ داد و اکنون در ماه مارس با جنگ دیگری علیه ایران روبرو هستیم. در کمتر از یک سال، ایران دو بار توسط این گروه مورد حمله قرار گرفته است. آنها جنگ سومی نمی‌خواهند. و سوال این است که چگونه می‌توانند از جنگ سوم جلوگیری کنند؟ چگونه می‌توانند این تحریم‌ها را بالاخره از ایران بردارند؟ اینها مسائلی هستند که آنها به شدت به آنها اهمیت می‌دهند. و وقتی آنها برای آتش‌بس یا توافق صلح یا نوعی معامله برای پایان دادن به این جنگ مذاکره می‌کنند، خواسته‌ها می‌خواهند داشت و ما باید آن خواسته‌ها را برآورده کنیم. و اگر ما این خواسته‌ها را برآورده نکنیم، آنها انگیزه دارند که تا زمانی که ما با برخی از این خواسته‌ها موافقت نکنیم، به افزایش فشار ادامه دهند. و به همین دلیل است که می‌گوییم امروز به سختی می‌توان دید که ایالات متحده چه راه خروجی مشخصی دارد. زیرا فقط جلب رضایت اسرائیلی‌ها برای ترک این جنگ نیست. شما باید با ایرانی‌ها به توافق برسید. و با توجه به آنچه که به نظر می‌رسد موازنه قدرت فعلی بین ایران از یک طرف و ایالات متحده و اسرائیلی‌ها از طرف دیگر از نظر نحوه اداره جنگ است، آنها هیچ انگیزه‌ای برای ترک جنگ ندارند. آنها باید به جنگیدن ادامه دهند.

کریس هجز

بیا بید در مورد عواقب آن صحبت کنیم. فرض کنیم این جنگ طولانی شود. هفته‌ها، ماه‌ها، شما از کلمه فاجعه‌بار استفاده می‌کنید. تصویری از اقتصاد جهانی که می‌تواند به آن شبیه باشد، ترسیم کنید.

جان مرشایمر

خوب، ممکن است یک رکود جهانی داشته باشید. ممکن است چیزی کمتر از آن، مانند رکود جهانی، داشته باشید که عواقب عظیمی برای مردم در سراسر کره زمین، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، و کمتر در کشورهای توسعه یافته، خواهد داشت. اما حتی در کشورهای توسعه یافته، کاملاً واضح است که اهمیت نفت برای اداره اقتصاد بین‌المللی را نمی‌توان دست کم گرفت.

می‌دانید، خیلی جالب است، اما برای افرادی که استراتژی کلان را مطالعه می‌کنند مانند من، و شما در مورد اینکه چه مناطقی از جهان برای ایالات متحده مهم است صحبت می‌کنید، منافع حیاتی ما در کجا در خطر است؟ تقریباً همه می‌گویند که خارج از نیمکره غربی، شرق آسیا و اروپا اهمیت فوق‌العاده‌ای دارند و هر دو در طول زمان اهمیت زیادی داشته‌اند، زیرا آنجا جایی است که سایر قدرت‌های بزرگ حضور دارند.

اما سوال این است که چرا خلیج فارس، نه خاورمیانه، بلکه خلیج فارس، چرا خلیج فارس سومین منطقه مهم یا سومین منطقه استراتژیک مهم در نظر گرفته می‌شود. شما می‌توانید شرق آسیا و اروپا را درک کنید زیرا آنجا جایی است که قدرت‌های بزرگ حضور دارند. اما چرا خلیج فارس؟ و البته پاسخ این نیست که به این دلیل است که هیچ قدرت بزرگی در خلیج فارس وجود ندارد. وجود ندارد. به این دلیل است که نفت آنجاست.

و ما مدت‌هاست که به اهمیت نفت، این منبع طبیعی برای تقویت اقتصاد بین‌المللی، پی برده‌ایم. و اگر مشکلی فاجعه‌بار در جریان نفت خروجی از خاورمیانه پیش بیاید، عواقب فاجعه‌باری برای اقتصاد بین‌المللی خواهد داشت. ما مدت‌هاست که این را درک کرده‌ایم. و به همین دلیل است که خلیج فارس را یک منافع استراتژیک حیاتی می‌دانیم. همه این‌ها به شما می‌گویند که اگر این جنگ به گونه‌ای پیش برود که جریان نفت از خلیج فارس به طور جدی قطع شود، یا تقریباً به طور کامل قطع شود، عواقب فاجعه‌باری برای اقتصاد بین‌المللی خواهد داشت. و این فقط به این معنی نخواهد بود که نمی‌توانید برای ماشین خود بنزین با قیمت مناسب تهیه کنید. این کوچکترین مشکل ما خواهد بود. واقعیت این است که اگر جریان نفت از خلیج فارس را قطع کنید، اثرات آن در سراسر اقتصاد موج خواهد زد. این تأثیر فوق‌العاده‌ای بر کل پایه صنعتی خواهد داشت. این تأثیر فوق‌العاده‌ای بر هزینه برق خواهد داشت. تورم به شدت افزایش خواهد یافت. تولید به طور جدی کاهش خواهد یافت. همانطور که گفتیم، ممکن است در یک رکود جهانی یا یک رکود جهانی باشید. و مردم همیشه در مورد این احتمال صحبت می‌کنند. و من می‌خواهم اینجا شفاف باشم. کریس، من استدلال نمی‌کنم که این اتفاق خواهد افتاد.

و در واقع، من فکر می‌کنم وقتی مشخص شود که ما به طور جدی در آن مسیر حرکت می‌کنیم، به عبارت کمی متفاوت، وقتی مشخص شود که ما به لبه پرتگاه می‌رویم، فکر می‌کنم دولت ترامپ عقب‌نشینی خواهد کرد. من فکر می‌کنم رئیس‌جمهور ترامپ و معاونانش، که بزرگترین استراتژیست‌های جهان نیستند، به وضوح درک خواهند کرد که ما باید در اینجا بسیار بسیار مراقب باشیم به دلیل عواقب آن.

کریس هجز

بیا بید در مورد روسیه و چین صحبت کنیم. گزارش‌هایی وجود دارد، که جای تعجب نیست، مبنی بر اینکه روسیه، شاید چین نیز، اطلاعات را در اختیار ایرانیان قرار می‌دهد تا به فناوری پهپاد کمک کند. البته این همان کاری است که ما در جنگ اوکراین علیه روسیه انجام داده‌ایم. شاید بتوانید کمی در مورد نقش آنها و عواقب آن برای روسیه و چین حدس بزنید.

جان مرشایمر

خوب، اولین چیزی که باید در موردش صحبت کنیم، انگیزه‌هایی است که چینی‌ها و روس‌ها برای کمک به ایران دارند. و واقعیت این است که هر دوی آنها انگیزه‌های بزرگی برای کمک به ایران و انجام هر کاری که می‌توانند انجام دهند تا مطمئن شوند که ایالات متحده در ایران شکست تحقیر آمیزی متحمل می‌شود. ایالات متحده دشمن قسم خورده‌ی روسیه و چین است.

و من معتقدم که پوتین و شی جین‌پینگ کاملاً این را درک می‌کنند. من معتقدم که آنها به دلایل دیپلماتیک این را علناً نمی‌گویند. آنها به اندازه کافی باهوش هستند که تبلیغ نکنند که فکر می‌کنند ایالات متحده چقدر خطرناک است، اما مطمئناً می‌دانند که با کشوری سر و کار دارند که اساساً یک فیل سرکش است که نمی‌توان به آن اعتماد کرد و فوق‌العاده قدرتمند است.

بنابراین، دیدن اینکه ایالات متحده در ایران گیر افتاده و در مخمصه جدی قرار گرفته است، هم به نفع روسیه و هم به نفع چین است. حال، از نظر کاری که روس‌ها و چینی‌ها واقعاً انجام می‌دهند، محدودیت‌هایی برای کارهایی که می‌توانند انجام دهند وجود دارد. از نظر مداخله مستقیم، آخرین کاری که روس‌ها می‌خواهند انجام دهند، با توجه به اینکه درگیر این جنگ بزرگ در اوکراین هستند، درگیر شدن در جنگ دیگری در ایران است. بنابراین آنها مستقیماً درگیر نخواهند شد. و چینی‌ها توانایی اعمال قدرت برای انجام کاری قابل توجه برای کمک به ایران را ندارند.

آنها همچنین نمی‌توانند مستقیماً درگیر شوند. اما هم روس‌ها و هم چینی‌ها هنوز به ایران کمک می‌کنند. و اطلاعات ارائه می‌دهند. تقریباً از هر نظر، روس‌ها اطلاعات اطلاعاتی قابل توجهی را در اختیار ایرانیان قرار می‌دهند که از آنها به نفع خود استفاده می‌کنند. کاملاً واضح است که آنها با فناوری به آنها کمک کرده‌اند. قبل از شروع جنگ، انواع گزارش‌ها مبنی بر ارسال موشک‌های دفاع هوایی چینی‌ها به ایران و ارسال یک رادار، یک رادار دوربرد که می‌تواند هواپیماهای رادارگریز را ردیابی کند، وجود داشت.

و این در کنار این واقعیت است که ایالات متحده، منظورم این است که روسیه اطلاعات اطلاعاتی دقیقی را در اختیار چین قرار می‌دهد، واقعاً به ایرانیان کمک کرده است تا این جنگ را علیه اسرائیل و کشورهای خلیج فارس و دارایی‌های نظامی ایالات متحده در منطقه انجام دهند. بنابراین آنها مطمئناً کمک می‌کنند.

و من فکر می‌کنم، خیلی مهم است که با گذشت زمان، کمک‌های روسیه و چین به ایران افزایش خواهد یافت. من فکر می‌کنم مشکلی که اسرائیل در زمینه نابودی ایران به عنوان یک دولت-ملت کارآمد با آن مواجه است، با گذشت زمان تنها افزایش خواهد یافت، زیرا فکر می‌کنم چینی‌ها و روس‌ها در آینده برای کمک به ایران، تلاش بیشتری نسبت به گذشته خواهند کرد.

و از آنجایی که چین به طور خاص قابلیت نمایش قدرت خود را افزایش می‌دهد، و شما می‌خواهید به یاد داشته باشید که چین در حال ساخت نیروی دریایی در آب‌های آبی است و ابتکار کمربند و جاده چین به خاورمیانه گسترش می‌یابد، فکر می‌کنم شاهد خواهید بود که چینی‌ها بیشتر و بیشتر در سیاست‌های خاورمیانه و بیشتر و بیشتر در ایران درگیر می‌شوند. و آنها بیش از هر زمان دیگری به ایران کمک خواهند کرد. و این امر حمله به ایران را برای ایالات متحده و اسرائیل به طور فزاینده‌ای دشوار خواهد کرد، که به نظر فروتنانه من مطمئناً همه چیز به نفع آنهاست.

کریس هجز

این چه تاثیری بر نمایش قدرت ایالات متحده در خاورمیانه خواهد داشت؟ این پایگاه‌ها، همانطور که در مقدمه اشاره کردم، ظاهراً برای محافظت از کشورهایمانند قطر و دبی ایجاد شده‌اند. عکس این اتفاق افتاده است. در واقع، گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد بیشتر رهگیرهایی که ایالات متحده دارد به اسرائیل ارسال می‌شوند. این چگونه قرار است اتفاق بیفتد؟

جان مرشایمر

خوب، فکر می‌کنم می‌توانی دو داستان بسیار متفاوت را تعریف کنی، کریس. اول، می‌توانید داستانی را که عملاً تعریف می‌کردید، تعریف کنید، یعنی اینکه ما این کشورها را به آهنرباهای غول‌پیکری برای موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایران تبدیل کرده‌ایم، چون از پهلو به ما متصل هستند و چون ما همه این تأسیسات نظامی را در داخل این کشورهای خلیج فارس پراکنده کرده‌ایم.

وقتی جنگی با ایران در می‌گیرد، ایرانی‌ها انگیزه قوی برای هدف قرار دادن این کشورهای خلیج فارس دارند. باز هم، آنها به آهنرباهایی برای موشک‌های بالستیک و پهپادهای ایران تبدیل شده‌اند. و با توجه به این داستان، فکر می‌کنید وقتی جنگ تمام شود، کاری که کشورهای خلیج فارس انجام می‌دهند این است که فاصله زیادی بین خود و ایالات متحده ایجاد می‌کنند و به ایرانی‌ها می‌گویند که اگر درگیری دیگری رخ دهد، آنها بیرون می‌مانند، به ایالات متحده کمک نمی‌کنند و اجازه نمی‌دهند آمریکایی‌ها از پایگاه‌هایشان در خاکشان استفاده کنند و حتی شاید آن پایگاه‌ها را بیرون باندازند.

این هم یک داستانی است که می‌توانید تعریف کنید. یک داستان متفاوت که دقیقاً در جهت مخالف قرار دارد، این است که وقتی جنگ تمام شود، کشورهای خلیج فارس حتی به ایالات متحده نزدیک‌تر می‌شوند و برای تشکیل یک سپر دفاعی در برابر ایران با ایالات متحده همکاری نزدیک‌تری خواهند داشت، زیرا این جنگ به کشورهای خلیج فارس ثابت خواهد کرد که ایران چقدر خطرناک است. در داستان دوم، ایران، نه ایالات متحده، تهدید اصلی است.

در داستان اول، این ایالات متحده است، نه ایران، که تهدید اصلی است. به نظر من سخت است که بگوییم کشورهای خلیج فارس پس از پایان جنگ در این مورد چه واکنشی نشان خواهند داد. اما فکر می‌کنم حتی قبل از شروع جنگ شواهدی وجود داشت که کشورهای خلیج فارس در حال دور شدن از ایالات متحده بودند.

فکر می‌کنم اگر به سعودی‌ها نگاه کنید، آنها قبل از 28 فوریه، در مورد اینکه آیا ایالات متحده متحد قابل اعتمادی است یا خیر، تردیدهای جدی داشتند.

همانطور که مطمئنم به یاد دارید، سعودی‌ها یک همکاری استراتژیک با پاکستان تشکیل دادند. و پاکستان به معنای واقعی کلمه گفت که چتر هسته‌ای خود را بر سر عربستان سعودی خواهد گذاشت. و حالا ترک‌ها سعی می‌کنند به اتحاد سعودی-پاکستانی کمک کنند یا به آن بپیوندند تا آن را مثلثی کنند، زیرا ترک‌ها نگران آمریکایی‌ها نیز هستند. ترک‌ها و سعودی‌ها می‌بینند که آمریکایی‌ها و اسرائیلی‌ها یک تیم هستند و حداقل اسرائیلی‌ها، اما حتی آمریکایی‌ها هم ما یلند از نیروی نظامی در منطقه به طور آزادانه استفاده کنند.

و چه کسی می‌تواند بگوید که آنها از آن علیه کشورهای خلیج فارس استفاده نخواهند کرد؟ به یاد دارید که اسرائیلی‌ها در سال گذشته واقعاً حمله کردند که تأثیر تکان‌دهنده‌ای بر کشورهای خلیج فارس داشت، اسرائیلی‌هایی که کاملاً با آمریکایی‌ها متحد هستند، به قطر حمله کردند. این چه چیزی را به شما می‌گوید؟ آیا ما در امان هستیم؟ آیا آمریکایی‌ها قرار است از ما محافظت کنند؟ آنها از قطر در برابر حمله اسرائیل محافظت نکردند.

بنابراین فکر می‌کنم حتی قبل از 28 فوریه، این کشورها نگران شده بودند و مطمئناً بعد از 28 فوریه. چون می‌خواهید اینجا به یاد داشته باشید، همانطور که قبلاً در برنامه صحبت کردیم، اگر ایرانی‌ها واقعاً سگ‌ها را آزاد کنند و واقعاً به دنبال کشورهای خلیج فارس بروند، به دنبال کارخانه‌های آب شیرین‌کن بروند و به دنبال زیرساخت‌های نفتی بروند و سعی کنند آن سایت‌ها را به طور کامل نابود کنند. شما اساساً در مورد نابودی آن کشورها صحبت می‌کنید.

معلوم نیست که آنها بتوانند پس از آن زنده بمانند. خسارت به معنای واقعی کلمه فاجعه‌بار خواهد بود. و چیزی که من می‌گویم این است که این یک احتمال واقعی است. بنابراین می‌بینید که اتحاد نزدیک شما با ایالات متحده چه کاری برای شما انجام داده است. بنابراین شما فکر می‌کنید که این حداقل تا حدی آنها را از اتکا به ایالات متحده دور می‌کند، زیرا به نظر من این ایالات متحده است، نه ایران، که تهدید اصلی است. اما همانطور که گفتم، می‌توانید استدلال مخالف را مطرح کنید.

کریس هجز

خوب، باید احساس عمیقی از خیانت وجود داشته باشد. با آنها مشورت نشده بود. آنها بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری نبودند و دارند بهای وحشتناکی می‌پردازند.

جان مرشایمر

کاملاً، اما همانطور که می‌دانیم، دولت ترامپ واقعاً اهمیتی نمی‌دهد که متحدانش چه فکر می‌کنند. دولت ترامپ هر کاری که می‌خواهد انجام می‌دهد. می‌دانید، رئیس جمهور ترامپ اهل... او اهل در نظر گرفتن منافع متحدان نیست. او یکجانبه‌گرای تمام‌عیار است. او هر کاری که بخواهد انجام می‌دهد. و من فکر می‌کنم، همانطور که بارها گفته‌ام، او با متحدان بدتر از دشمنان رفتار می‌کند.

کریس هجز

بله. پس جان، اجازه دهید فقط با پرسیدن از شما در مورد تأثیرات آن بر اسرائیل صحبت کنم. سانسور نظامی شدیدی وجود دارد. شما مجاز به فیلمبرداری از عواقب حملات نیستید. ظاهراً رهگیرها نمی‌توانند کار زیادی علیه موشک‌های ما فوق صوت ایران که آنها را ذخیره کرده‌اند، انجام دهند. شما چه اتفاقی را در اسرائیل می‌بینید؟

جان مرشایمر

خوب، همانطور که قبلاً گفتم، درک این نکته مهم است که در هفته اول یا بیشتر این درگیری، ایرانی‌ها بیشتر از آنکه بر اسرائیل تمرکز کنند، بر حمله به کشورهای خلیج فارس و دارایی‌های نظامی آمریکا در کشورهای خلیج فارس تمرکز کرده‌اند. و اکنون آنها اعلام کرده‌اند که توجه خود را عمدتاً به حمله به اسرائیل معطوف خواهند کرد.

و تعیین اینکه تاکنون چه کاری با اسرائیل انجام شده است، چه نوع خساراتی را ایرانی‌ها به دلیل سانسوری که شما توصیف کردید به اسرائیل وارد کرده‌اند، بسیار دشوار است. واقعاً قابل توجه است که سانسور چقدر شدید و مؤثر بوده است. اما من تصور می‌کنم که با وجود اینکه ایرانی‌ها به خودی خود بر اسرائیل تمرکز نکرده‌اند، خسارات زیادی وارد شده است. اما با گذشت زمان، معتقدم خسارات بیشتر و بیشتری وارد خواهد شد. من معتقدم ایرانی‌ها دارایی لازم برای حمله به اسرائیل و وارد کردن خسارات بزرگ را دارند. و همانطور که من و شما می‌دانیم، اسرائیل کشوری به اندازه یک تمبر پستی است. این یک کشور کوچک است و ایرانی‌ها با آن همه موشک‌های بالستیک و پهپادها می‌توانند خسارات قابل توجهی وارد کنند، به خصوص اگر این جنگ به یک درگیری طولانی تبدیل شود.

بنابراین من فکر می‌کنم که اسرائیل آسیب خواهد دید و فکر می‌کنم این واقعیت که اسرائیل دائماً در حال جنگ با همسایگان خود است، و شما می‌خواهید به یاد داشته باشید که اسرائیلی‌ها اکنون با حزب‌الله درگیر هستند. آنها نه تنها با ایران می‌جنگند، بلکه همین الان که ما صحبت می‌کنیم، به طور جدی با حزب‌الله می‌جنگند. و البته، نسل‌کشی در غزه ادامه دارد. بنابراین شما با این جنگ چند جبهه‌ای روبرو هستید. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد

که این جنگ هرگز تمام شود. همانطور که من و شما گفتیم، آنها قرار نیست ایران را نابود کنند. ایران قرار نیست از نقشه جهان محو شود.

به احتمال زیاد، شما به تغییر رژیم دست نخواهید یافت. فردی که اکنون در ایران مسئول است، بیشتر احتمال دارد که به دنبال سلاح‌های هسته‌ای باشد تا نباشد. او مطمئناً بیشتر از پدرش که مانع اصلی دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای بود، به دنبال سلاح‌های هسته‌ای است. بنابراین می‌توانید به راحتی وضعیتی را تصور کنید که ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد یا شروع به حرکت در این مسیر کند. و سوالی که باید از خودتان بپرسید این است که این چه تاثیری بر جامعه اسرائیل خواهد داشت؟ اگر شما یک شهروند اسرائیلی هستید و دائماً در این جنگ‌ها می‌جنگید و وقتی حزب‌الله یا ایران به سمت شما موشک پرتاب می‌کنند و پهپاد شلیک می‌کنند، به سمت پناهگاه‌های بمب می‌دوید، این موضوع چه چیزی در مورد زندگی آینده شما در آنجا می‌گوید؟ و سپس وقتی شروع به فرضیه‌سازی در مورد موقعیتی می‌کنید که شاید ایران سلاح هسته‌ای داشته باشد و می‌دانید، ایران یک دشمن قسم‌خورده است و دهه‌هاست که این داستان‌ها را برای خودتان تعریف می‌کنید که هدف اصلی ایران ریشه‌کن کردن شما از روی زمین است.

و به محض اینکه به سلاح هسته‌ای دست پیدا کنند، به شما حمله خواهند کرد. منظورم این است که آیا این شما را برای ترک کشور ترغیب نمی‌کند؟ بنا بر این فکر می‌کنم آینده اسرائیل در اینجا بسیار تاریک است. و ما حتی شروع به بررسی سطحی اوضاع در اسرائیل نکرده‌ایم، زیرا انواع و اقسام شکاف‌های دیگر در این جامعه وجود دارد که برای آینده خوب نیست. بنابراین فکر می‌کنم اسرائیل کشوری است که در دردمس واقعی است. و فکر می‌کنم این ایده که آنها می‌توانند با جنگیدن در جنگ‌های بیشتر و بیشتر، خود را از دردمس نجات دهند، استدلالی نادرست است.

من فکر می‌کنم جنگ تأثیر مخربی بر جوامع دارد. فکر می‌کنم پدران بنیانگذار کاملاً این را درک می‌کردند که وقتی این کشور را ایجاد کردند و می‌خواستند وضعیتی ایجاد کنند که ما تا حد امکان به ندرت وارد جنگ شویم و این تفکر عاقلانه‌ای بود. من این را به عنوان یک واقع‌گرا و متخصص نظریه روابط بین‌الملل می‌گویم، درست است؟ من درک می‌کنم که جنگ ابزاری برای کشورداری است و کشورها گاهی اوقات به دلایل استراتژیک خوبی وارد جنگ می‌شوند. اما در عین حال، فکر می‌کنم باید برای جلوگیری از جنگ، مگر اینکه کاملاً مجبور باشید، تمام تلاش خود را بکنید. اما اسرائیل نظر مخالفی دارد. با شمشیر زندگی می‌کند. و فکر می‌کنم اگر با شمشیر زندگی کنید، خودتان را به نسخه مدرن اسپارت تبدیل می‌کنید، نتیجه نهایی خوشایند نخواهد بود.

گریس هجز

ما هم همین کار را کرده‌ایم. منظورم این است که هسته دیپلماتیک خود را تهی کرده‌ایم، سفارتخانه‌هایمان را نظامی کرده‌ایم و این به قبل از ترامپ برمی‌گردد.

جان مرشایمر

کاملاً. منظورم این است که من معتقدم اگر به جنگ معتاد باشید و به یک دولت صلیبی تبدیل شوید، که ما شده‌ایم، لیبرالیسم را در خانه تضعیف خواهید کرد. و فکر می‌کنم ما دقیقاً همین کار را می‌کنیم. فکر می‌کنم آنچه در ایالات متحده برای ارزش‌های لیبرال اتفاق می‌افتد، یک تراژدی است، اینکه افرادی ما نند رئیس جمهور ترامپ تا چه حد قانون اساسی را زیر پا می‌گذارند، حاکمیت قانون را زیر پا می‌گذارند، کنگره را نادیده می‌گیرند

منظورم این است که فکر می‌کنم آنچه اینجا اتفاق می‌افتد وحشتناک است. و من فکر می‌کنم این تا حد زیادی به دلیل تمام این جنگ‌هایی است که ما در آن می‌جنگیم، و همچنین وابستگی ما به اسرائیل. باید به یاد داشته باشید که ما با این اسپارت جدید کاملاً متحد هستیم. و وقتی شما کاملاً متحد باشید، کاملاً متحد با اسپارت، ارزش‌های اسپارت در بدنه سیاسی شما نفوذ خواهد کرد. بنابراین کسی نمی‌خواهد تأثیر منفی اسرائیل و لابی اسرائیل بر ارزش‌های لیبرال در داخل ایالات متحده را دست کم بگیرد.

کریس هجز

عالی، ممنون جان

با احترام «2026-05-05»

.....

